

تحلیل عاملی دلایل مشارکت کم فرهنگیان سراسر کشور در فعالیتهای ورزشی

علی وفايي مقدم^۱، فرزام فرزانه^۲، مصطفی افشاري^۳، مهران جعفري^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی و مدرس گروه مدیریت ورزشی دانشگاه مازندران بابلسر*
۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی دانشگاه مازندران بابلسر
۳. استادیار گروه مدیریت ورزشی پژوهشگاه علوم ورزشی
۴. دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۲۰

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی دلایل عدم مشارکت فرهنگیان مرد ایران در فعالیتهای ورزشی در سال (۱۳۹۴) می‌باشد. این پژوهش، توصیفی بوده و از نوع مطالعات تحلیلی می‌باشد که به صورت میدانی اجرا شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه فرهنگیان مرد سراسر کشور تشکیل دادند که با توجه به حجم بالای جامعه، تعداد ۳۸۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق، تحلیل عاملی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد در متغیر اول که متغیر ویژگی‌های فردی است، سه جزء عاملی (عدم داشتن مهارت ورزشی، خستگی و بی‌حوصلگی و ترس از مصدومیت)، در متغیر موانع بازدارنده، چهار جزء عاملی (دردسترس نبودن اماکن و تسهیلات، کیفیت پایین اماکن و تسهیلات ورزشی، مشغله کاری و خانوادگی زیاد و کمی درآمد)، در متغیر سوق‌دهنده‌های محیطی، چهار جزء عاملی (عدم برنامه‌ریزی مناسب برای فرهنگیان، عدم اطلاع از ورزش‌های موجود، احساس شرمندگی پس از باخت و تعداد کم اماکن ورزشی برای فرهنگیان) و در متغیر ویژگی ورزش‌های موجود، دو جزء عاملی (بیزاری از برد و باخت و مدت و شدت زیاد فعالیتهای ورزشی) تأثیرگذار می‌باشند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که از طریق مدیریت بهتر و فراهم‌ساختن زیرساخت‌ها توسط مسئولین، این عوامل می‌توانند مرتفع شوند و سازمان آموزش و پرورش را به اهداف خود در این زمینه برسانند.

واژگان کلیدی: تحلیل عاملی، مشارکت ورزشی، فرهنگیان ایران

مقدمه

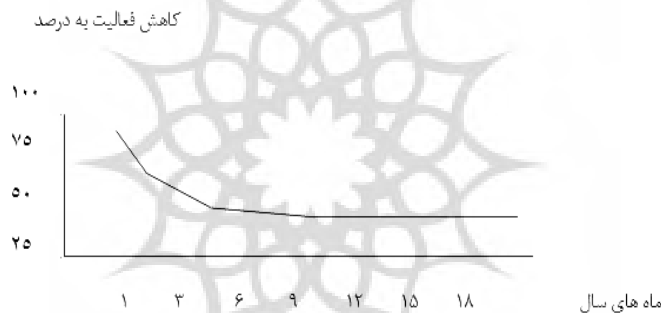
در عصر حاضر، ورزش به‌عنوان ابزاری چندبعدی در حوزه‌های مختلف تأثیرات گسترده‌ای بر جای می‌گذارد. امروزه، ورزش در سلامت افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم، بانشاط و لذت‌بخش، آموزش و پرورش به‌ویژه در نسل نوجوان، ایجاد روابط اجتماعی سالم در جامعه، پیش‌گیری از ابتلا به بیماری‌ها و پیشگیری از بسیاری از مفسدات اجتماعی و انحرافات اخلاقی نقش خود را متجلی ساخته است (میرغفوری، تورانلو، میرفخرالدینی، ۱۳۸۸، ۸۵). ورزش یکی از راه‌هایی است که افراد می‌توانند به کمک آن بر فشارهای جسمی، روحی، روانی و اجتماعی ناشی از زندگی در دنیای متلاطم و پرتنش امروزی فائق آیند (پالم^۱ و وولفیانگ^۲، ۲۰۰۲، ۲۵). مطالعات نشان داده است اشخاصی که به‌طور منظم به ورزش می‌پردازند، کمتر از دیگران دچار ناراحتی‌های قلبی و عروقی می‌شوند، فشارهای عصبی کمتری را تحمل می‌کنند و از اعتمادبه‌نفس بیشتری برخوردار می‌باشند. علاوه‌براین، به زندگی خوشبین‌تر هستند و کمتر دچار افسردگی می‌شوند (نورگس^۳، ۲۰۱۱، ۴۹).

داشتن ویژگی‌های مثبت به‌وجودآمده از ورزش، از مسائل مهمی است که یکی از اهداف برنامه‌ریزان و مسئولان سازمان‌ها جهت افزایش بهره‌وری و پیشرفت نیروی انسانی خود می‌باشد. این افراد که به‌عنوان منابع سازمانی مطرح هستند، از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشند؛ زیرا، منابع انسانی عامل مشترک انسانی در هر سازمان می‌باشد و از نظر سازمان‌ها، کارکنان منابع اصلی سازمان هستند و دارای ویژگی‌ها، رفتار و ظرافت‌های خاصی می‌باشند (نه مانند منابع فاقد حیات مثل سرمایه و زمین) (چنگ^۴، تونگ^۵ و کوزه چیان، ۲۰۱۲، ۵۱). از بین سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور، آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از حساس‌ترین سازمان‌ها می‌باشد که سهم به‌سزایی در فراهم‌کردن جامعه‌ای سالم با آینده‌ای روشن دارد. تمام افراد جامعه در دوران طلایی فراگیری خود، از دبستان تا پایان دبیرستان، وارد این کارگاه عظیم و قرنطینه عمومی می‌شوند. هدایت و رهبری سیستم اداری و واحدهای آموزشی بر عهده فرهنگیان است. قشر فرهنگیان به‌عنوان متصدیان آموزش و پرورش در هر جامعه، اولین حلقه در راه میل به اهداف توسعه‌ای و تحول‌گرا بوده و بسیار کارساز و مهم می‌باشند. با وجود اقدامات به‌وجودآمده در کشور در راستای بالابردن آمادگی جسمانی و روانی این قشر آینده‌ساز، تعداد کمی از آن‌ها در این فعالیت‌ها مشارکت می‌کنند (حسینی، ۱۳۷۲، ۱۱۰؛ وفایی مقدم، ۱۳۹۱، ۱۸). همچنین، علی‌رغم این‌که این افراد به‌نوعی با فرهنگ‌سازی در افراد

-
1. Palm
 2. Wolfyang
 3. Norges
 4. Cheng
 5. Tung

جامعه آشنایی دارند، اما در نظر گرفتن و بررسی محدودیت‌هایی که مسبب اصلی مشارکت نکردن آن‌ها است از نکات بسیار مهم برای افزایش روحیه و انگیزش آن‌ها می‌باشد. در زمان اوقات فراغت، تمایل به اجرای فعالیت‌های ورزشی جهت گذراندن فعال اوقات فراغت برای بازسازی ذهنی و جسمانی، یکی از ملزوماتی است که فرهنگیان به آن اذعان دارد؛ فعالیت‌هایی که هرچند هم از قوانین خاصی تبعیت نکنند، اما آرامش روانی و جسمانی را رقم می‌زنند.

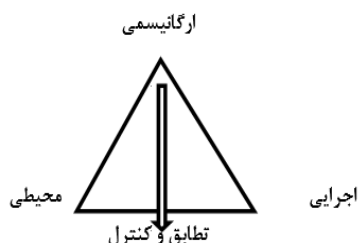
پس از این‌که فرد محدودیت‌های اولیه را پشت سر گذاشت و به فعالیت‌های ورزشی روی آورد، مشکل پایبندی به ورزش یا حفظ استمرار برنامه ورزشی به وجود می‌آید. بسیاری از افراد پس از اجرای فعالیت‌های ورزشی، مجدداً به علل گوناگون این فعالیت‌ها را ترک می‌کنند. نمودار زیر روند کاهش درصد شرکت‌کنندگان که در شش ماه اول رخ می‌دهد و پس از ۱۸ ماه متوقف می‌شود را نشان می‌دهد (کمیته بین‌المللی فعالیت جسمانی و سلامت^۱، ۲۰۰۵، ۶۳).



شکل ۱- روند کاهش فعالیت براساس زمان

در این جا لازم است این نکته را ذکر کنیم که براساس پژوهش‌های انجام‌شده مشخص گردیده است که برای بسیاری از مردم، شروع برنامه‌های ورزشی، آسان‌تر از پایبندی به آن است. دسته‌بندی محدودیت‌هایی که در این پژوهش مدنظر قرار گرفته است براساس مطالعات پیشین که در این زمینه انجام شده است صورت گرفته است. این دسته‌بندی‌ها می‌تواند بسته به شرایط هر منطقه متغیر باشد؛ برای مثال، نویل^۲ (۱۹۸۶) محدودیت‌ها را به سه گروه محدودیت‌های ارگانیسمی (ویژگی‌های برآمده از خود شخص مانند وزن، قد، نگرش و غیره)، محدودیت‌های اجرایی (اقدام و اجرای مناسب و ماهرانه فعالیت‌ها) و محدودیت‌های محیطی (مانند آب‌وهوا، امکانات و غیره) تقسیم‌بندی کرده است.

1. Committee on Physical Activity, Health, Transportation & Land Use
2. Newell



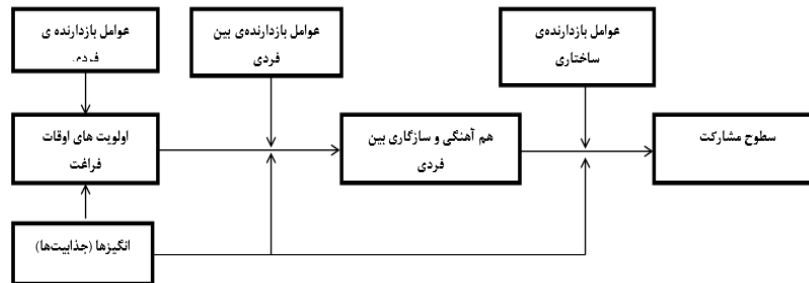
شکل ۲- مثلث محدودیت نویل - تطابق و هماهنگی بین سه ضلع

طبق نظر نویل، این محدودیت‌ها به صورت اثر متقابل ارگانیسمی - محیطی، اجرایی - ارگانیسمی و اجرایی - محیطی به وجود می‌آیند (تارا^۱، ۲۰۰۱، ۳۵)؛ برای مثال، عمل کودک در دوران طفولیت براساس شرایط محیطی و تعامل آن با محدودیت‌های دیگر تعیین می‌شود؛ به عنوان نمونه، هنگامی که او در آب قرار می‌گیرد، حرکات مربوط به شناکردن را انجام می‌دهد، اما بر روی زمین حرکات دیگری مانند حرکات مربوط به راه رفتن را انجام می‌دهد؛ بنابراین تعریف، فرد برای این که فعالیتی را انتخاب کند باید بین شرایط سه ضلع، تطابق و تعاملی را به وجود آورد و پس از کنارزدن محدودیت‌ها، فعالیتی را اجرا کرده و سپس، آن را کنترل نماید (ورسچورن، ویارت، هرمان و کتلا^۲، ۲۰۱۲، ۴۹۶).

گاهی نیز تمایل به اجرای ورزشی براساس موارد و موضوعاتی است که ناگهان براساس بیماری و یا موارد مربوط به آن به وجود می‌آید و فرد را ترغیب به اجرای فعالیت‌های ورزشی می‌کند. ریچاردسن^۳ (۲۰۱۴) اعتقاد دارد که همین مسأله، محدودیتی برای اجرای فعالیت ورزشی در افراد می‌شود. جایی که ورزش برای درمان بیماری‌ها به کار می‌رود، بیشتر سبب تطابق فرد با بیماری با استفاده از ورزش می‌شود (ریچاردسن، فولکنر^۴، ۲۰۱۴، ۱۶۹).

همچنین، کرافورد و همکاران^۵ (۱۹۹۱) براساس مدل سلسله‌مراتبی، سه دسته از محدودیت‌ها را شناسایی کرده‌اند؛ محدودیت‌های درون‌شخصی، محدودیت‌های بین شخصی و محدودیت‌های ساختاری.

-
1. Tara
 2. Verschuren, Wiart, Hermans, Ketelaar
 3. Richardson
 4. Faulkner
 5. Crawford, Jackson & Godbey



شکل ۳- شرکت در فعالیتهای اوقات فراغت به عنوان توازن بین عوامل بازدارنده و جذابیتها (کشکر و احسانی، ۱۳۸۶، ۱۲۵)

- عوامل درون شخصی: ویژگی‌هایی که درون هر فرد به عنوان شرایط روان‌شناختی وجود دارد از قبیل عوامل شخصیتی، نگرش‌ها و حالات درونی.

- عوامل بین شخصی: شامل تعاملات با دیگران مانند خانواده، دوستان، همکاران و همسایگان می‌باشد.

- عوامل ساختاری: عواملی مانند کمبود فرصت و یا هزینه فعالیتها که از محیط بیرون بر فرد فشار می‌آورند (فتاحیان و آقایی، ۱۳۹۱، ۱۶۶).

می‌توان از این نمودار این‌گونه استنباط کرد که انگیزانندهها (جذابیتها) و عوامل بازدارنده، در حالت معکوس یکدیگر بر مشارکت در فعالیتهای ورزشی تأثیر می‌گذارند.

شایان ذکر است که دانشمندان زیادی این یافته‌ها را موردنقد قرار داده‌اند (شیلد، سینوت و بار، ۲۰۱۲، ۱۸).

هنگامی که فرد تعادل بین محدودیتها و انگیزانندهها را برقرار کند، کم‌کم تمایل پیدا می‌کند فعالیت‌های ورزشی را انتخاب نماید و یا به شکل مستمر ادامه دهد. در برخی از پژوهش‌ها به انگیزانندهها نیز اشاره شده است. نادریان و هاشمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود به بررسی انگیزانندهها در ورزش تفریحی پرداختند و حفظ سلامتی و بهداشت، تناسب و زیبایی اندام و کسب مهارت و توانایی را از مهم‌ترین انگیزهها دانستند (نادریان و هاشمی، ۱۳۸۷، ۴۱).

علاوه بر این، از سال (۱۹۷۰) به بعد، در زمینه بررسی و شناخت عوامل بازدارنده فعالیت‌های ورزشی و تفریحی، مطالعاتی در خارج از کشور انجام شده است و پژوهشگران، طرح‌های پژوهشی زیادی را ارائه داده و به اجرا در آورده‌اند که در همه آنها، موانع شخصی و اجتماعی موجود و موانع دیگر برای

مشارکت در فعالیتهای ورزشی و تفریحی بررسی می‌شود (بایلی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰، ۱۲). هندرسون و آنسورث^۲ (۲۰۰۱) نیز در پژوهش‌های خود نشان دادند که کمبود وقت، عدم علاقه و کمبود امکانات و سرمایه، موانعی برای حضور در فعالیتهای تفریحی و بدنی هستند (جنکینز^۳، ۲۰۱۰، ۳۱). علاوه بر این، شاو و داوسون^۴ (۲۰۰۱) در بررسی عوامل بازدارنده مشارکت در فعالیتهای ورزشی بیان کردند که زنان برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی با موانع بیشتری نسبت به مردان مواجه می‌باشند (شاو و داوسون، ۲۰۰۱، ۲۷۹). آن‌ها علل حضور نیافتن زنان در فعالیتهای ورزشی را نداشتن همراه برای مشارکت در فعالیتهای ورزشی، تعهدات خانوادگی، کمی اطلاعات، خجالتی بودن، کمبود وسایل نقلیه و ناتوانی جسمی ذکر نموده‌اند. در پژوهش دیگری، جاراسما و همکاران^۵ (۲۰۱۴) گزارش دادند که یکی از علل بازدارنده مردان از انجام فعالیتهای ورزشی، اطلاع رسانی ناکافی به افراد است؛ زیرا، آن‌ها از سرویس‌های ارائه شده و از وجود خدماتی برای فعالیتهای ورزشی ناآگاه هستند (جاراسما، دیکسترا و گیرتز^۶، ۲۰۱۴، ۸۱). علاوه بر این، در پژوهشی که شیکوکو^۷ و همکاران (۲۰۱۴) در مورد مشارکت دانش‌آموزان و معلمان انجام دادند، عنوان کردند که (تقریباً) یکی از مهم‌ترین عوامل مشارکت دانش‌آموزان، عوامل انگیزشی است که معلمان در دانش‌آموزان به وجود می‌آورند و آن‌ها را به آن ترغیب می‌کنند. همچنین، یکی از دلایل اصلی مشارکت معلمان در این پژوهش، وجود تسهیلات کافی، به ویژه برای قشر معلمان در کانادا نام برده شده است (شیکوکو، آنت، لائو و لاج^۸، ۲۰۱۴، ۳۲). نتایج دیگر مطالعات انجام شده در ایران نشان می‌دهند که کمبود علاقه، کمبود وقت، نداشتن انگیزه لازم، نبود برنامه‌ریزی صحیح در مدارس، نداشتن دسترسی به سالن‌های ورزشی، کمبود و گرانی وسایل ورزشی، محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی و مخالفت والدین، از عوامل مشارکت نداشتن فعال دانش‌آموزان و دانش‌جویان پسر و دختر در فعالیتهای ورزشی است (احسانی، ۱۳۸۱، ۲۲؛ میرغفوری و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۱). مشارکت در فعالیتهای ورزشی همواره مسأله مهمی بوده است و توجه پژوهشگران زیادی را به خود جلب کرده است. در نگاه اول به نظر می‌رسد موانعی که بر سر راه افراد برای شرکت در ورزش وجود دارد، مهم‌ترین فاکتورهای تعیین‌کننده مشارکت هستند. سلامی و همکاران (۱۳۸۱) در پژوهش

-
1. Bailey
 2. Handerson & Ainsworth
 3. Jenkins
 4. Shaw & Dawson
 5. Jaarsma
 6. Jaarsma, Dijkstra, Geertzen
 7. Shikako
 8. Shikako, Annette, Law, Lach

وسیع‌تری به توصیف موانع شرکت افراد در فعالیت‌های ورزشی پرداختند. براین اساس، آن‌ها مهم‌ترین موانع مشارکت در ورزش را عوامل جسمانی، نگرش خانواده، عوامل روانی، نگرش مسئولان جامعه، تغییرات فیزیولوژیک و عوامل امکاناتی و تسهیلاتی دانستند (احسانی و عزب دفتران، ۱۳۸۲، ۴۲). علاوه بر این، میرغفوری و همکاران (۱۳۸۸) به بررسی موانع مشارکت دانشجویان در دانشگاه یزد پرداختند و مهم‌ترین موانع مشارکت را موانع شخصی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عنوان نمودند (میرغفوری، تورانلو و میرفخرالدینی، ۱۳۸۸، ۹۱).

علاوه بر این، فتاحیان و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود به تطبیق‌پذیری موانع مشارکت زنان ورزشکار و غیرورزشکار براساس مدل کرافورد و گادبی^۱ پرداختند و به نتایجی مبنی بر تطبیق‌پذیری برخی از ابعاد با دبیران شهر همدان رسیدند (فتاحیان و آقای، ۱۳۹۱، ۱۶۴).

وفایی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهشی با عنوان "بررسی دلایل عدم رغبت فرهنگیان استان مازندران به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی"، برای فرهنگیان مرد، نبود سوق‌دهنده‌های محیطی مانند ضعف رسانه‌ها، کمبود آگاهی از ورزش‌ها و موانع بازدارنده از قبیل موانع مالی و کمبود اماکن ورزشی را نام برده‌اند و برای بانوان فرهنگی نیز نبود اماکن ورزشی ویژه فرهنگیان، عدم برنامه‌ریزی مناسب، مشغله‌های خانوادگی و دلایل فرهنگی جامعه را ذکر کرده‌اند (وفایی‌مقدم، ۱۳۹۱، ۱۸).

با توجه به مسائل بیان‌شده، در پژوهش حاضر چهار بعد از این محدودیت‌ها برای شناسایی محدودیت‌های فرهنگیان کل کشور در جنس مرد در نظر گرفته شد. بعد اول، محدودیت‌های فردی که به خود فرد مربوط هستند، بعد دوم، موانع بازدارنده (موانع مالی، محیطی و ساختاری)، بعد سوم، محدودیت‌های مربوط به سوق‌دهنده‌های محیطی و بعد چهارم نیز ویژگی‌های ورزش‌ها می‌باشد. با توجه به این‌که فعالیت بدنی، مؤلفه مهم شیوه زندگی سالم با فواید جسمانی و روانی متعدد برای همه اقشار می‌باشد، سعی بر این است که با انجام این پژوهش، محدودیت‌های فرهنگیان در این ارتباط در سراسر کشور شناسایی شود و پس از بررسی‌های لازم، اقدامات لازم برای افزایش سطوح مشارکت آن‌ها انجام گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی بوده و از نوع مطالعات تحلیلی می‌باشد که به صورت میدانی اجرا شده است. ابزار اجرای پژوهش، پرسش‌نامه پژوهشگرساخته‌ای بود که در دو بخش مشخصات فردی و سؤالات اصلی طراحی گردیده بود. به منظور تعیین روایی و پایایی آن، پس از بررسی منابع داخلی و خارجی و نیز

1. Kraford & Godby

سؤال و نظرخواهی از چند تن از اساتید متخصص در رشته‌های روان‌شناسی و مدیریت ورزشی و نیز مطابقت این سؤالات با فرهنگ درون کشور و سازمان آموزش و پرورش، میان افراد نمونه توزیع گردید. همچنین، به منظور اندازه‌گیری قابلیت پایایی از روش آلفای کرونباخ و نرم‌افزار اس. پی. اس. اس^۱ استفاده گردید و در نهایت، ضریب آلفا معادل (۰/۸۹) به دست آمد. علاوه بر این، جامعه آماری پژوهش را کلیه فرهنگیان مرد سراسر کشور تشکیل دادند که با توجه به حجم بالای آن‌ها، تعداد ۳۸۵ نفر از پنج منطقه کشور (شمال، جنوب، غرب، شرق و مرکزی) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان حجم نمونه انتخاب گردیدند. شایان ذکر است که روش مورد استفاده جهت بررسی عوامل عدم مشارکت، تحلیل عامل‌های مرتبط بود که توسط نرم‌افزار لیزرل^۲ انجام گرفت.

نتایج

با توجه به نتایج به دست آمده از یافته‌های توصیفی، تعداد آزمودنی‌هایی که به پرسش‌نامه‌ها پاسخ صحیح داده‌اند، ۳۶۵ نفر هستند. همچنین، مشخص می‌شود که افراد در دامنه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بیشترین فراوانی را دارند، بیشتر افراد دارای سابقه پنج تا ۱۵ سال می‌باشند، مدرک تحصیلی کارشناسی بیشترین درصد را در بین مدارک تحصیلی دارا است و افراد در گروه آموزشی دارای بیشترین فراوانی در بین گروه‌های خدمتی هستند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که افراد نمونه به طور میانگین، (۰/۰۷) ساعت در هفته تمرین ورزشی داشته‌اند و میانگین فاصله افراد نمونه تا اماکن ورزشی، (۲/۰۲) کیلومتر بوده است که نشان‌دهنده کم بودن فاصله آن‌ها تا اماکن ورزشی است (جدول شماره یک).

1. SPSS
2. Lisrel

جدول ۱- یافته‌های توصیفی به تفکیک متغیرهای آن

متغیر	تفکیک شده	موجودی یافت شده به درصد
جنس	مرد	۱۰۰
مدرک تحصیلی	دیپلم	۸/۶
	فوق دیپلم	۲۱/۹
	کارشناسی	۵۱/۵
	کارشناسی ارشد	۱۸/۹
	دکتری	۰/۳
گروه	اداری	۱۹/۹
	اداری - آموزشی	۲۸/۸
	آموزشی	۵۱/۳
سابقه	کمتر از ۵ سال	۲۱/۹
	۵ تا ۱۵ سال	۴۲/۷
	۱۶ تا ۲۵ سال	۲۹/۹
	بیش از ۲۵ سال	۲/۵
	کمتر از ۲۵ سال	۵/۵
سن	۲۶ تا ۳۰ سال	۲۵/۵
	۳۱ تا ۳۵ سال	۲۵/۸
	۳۶ تا ۴۰ سال	۱۸/۴
	بیش از ۴۰ سال	۰/۳

جهت بررسی فرضیاتی که برای این پژوهش در نظر گرفتیم، از شاخص‌های آمار استنباطی استفاده شد که در این قسمت به آن اشاره شده است.

جدول شماره دو مقادیر ویژه و واریانس متناظر با عامل‌های متغیر اول؛ یعنی ویژگی‌های فردی را نشان می‌دهد. در ستون مجموع ضرایب کل عوامل نیز مقادیر ویژه اولیه برای هر یک از عامل‌ها در- قالب مجموع واریانس تبیین شده برآورد می‌شود که این واریانس، برحسب درصدی از کل واریانس و درصد تجمعی به دست می‌آید. علاوه بر این، مقادیر ویژه هر عامل، نسبتی از واریانس کل متغیرها است که توسط آن عامل تبیین می‌شود. مقدار ویژه از طریق مجموع مجذورات بارهای عاملی مربوط به تمام متغیرها در آن عامل قابل ملاحظه است؛ از این رو، مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل‌ها را در ارتباط با متغیر نشان می‌دهد. پایین بودن این مقدار برای یک عامل، بدین معنا است که آن عامل، نقش اندکی در تبیین واریانس متغیرها داشته است. در این جدول، ستون مجموع ضرایب عوامل چرخش داده شده، مجموعه مقادیر عامل‌های استخراج شده پس از چرخش را نشان می‌دهد. با توجه

به نتایج به دست آمده، سه جزء عاملی وجود دارند که ۵۸/۳۷۰ درصد از واریانس کل داده‌ها را دربر می‌گیرند. داده‌های فوق پس از چرخش واریماکس به ترتیب عدم داشتن مهارت ورزشی ۲۰/۷۷ درصد، خستگی و بی‌حوصلگی ۱۸/۹۸ درصد و ترس از مصدومیت ۱۸/۶۰ درصد می‌باشد که در مجموع، ۵۸/۳۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

جدول ۲- مقادیر ویژه و واریانس عامل‌های پژوهش

مؤلفه‌ها	مقدار ویژه اولیه		دوران جمع مربعات بارگذاری شده	
	واریانس جمع	درصد فراوانی	واریانس جمع	درصد فراوانی
داشتن مشکلات جسمانی	۳/۰۵۴	۳۳/۹۳۰	۱/۸۷۰	۲۰/۷۷۵
خستگی ناشی از کارهای روزمره	۱/۱۱۵	۱۲/۳۹۳	۱/۷۰۹	۳۹/۷۹۳
نداشتن مهارت اجرا	۱/۰۸۴	۱۲/۰۴۸	۱/۶۷۵	۵۸/۳۷۰
علاقه‌نداشتن به ورزش	۰/۹۲۴	۱۰/۲۶۲		
اعتماد به نفس پایین	۰/۷۰۳	۷/۸۱۶		
به دلیل بدن ضعیف				
اعتماد به نفس پایین	۰/۶۵۳	۷/۲۵۲		
به دلیل مهارت ضعیف				
تنبلی و بی‌حوصلگی	۰/۶۱۷	۶/۸۵۷		
ترس از مصدومیت و آسیب ورزشی	۰/۴۷۵	۵/۲۷۷		
کمی وقت یا فرصت	۰/۳۷۵	۴/۱۶۶		

در ادامه، در جدول شماره سه ماتریس چرخش داده شده مؤلفه‌ها نشان داده شده است که بارهای عاملی هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده پس از چرخش می‌باشد. می‌دانیم که هرچه مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل واریانس متغیر مورد نظر دارد.

جدول ۳- مقادیر ماتریس عاملی دوران یافته

عوامل	مؤلفه		
	۱	۲	۳
پایین بودن اعتماد به نفس به دلیل نداشتن مهارت	۰/۷۸۷	-۰/۰۲۰	۰/۰۰۴
نداشتن مهارت در انجام ورزش‌ها	۰/۷۰۸	۰/۴۳۷	۰/۰۰۷
اعتماد به نفس پایین به دلیل اندام ضعیف	۰/۵۱۵	-۰/۵۲۵	۰/۳۵۲
کمبود وقت و فرصت	۰/۴۶۷	۰/۲۶۴	۰/۳۸۴
خستگی ناشی از کارهای روزمره	-۰/۱۰۹	۰/۷۷۶	۰/۰۶۰
داشتن مشکلات جسمانی (آسیب، بیماری و غیره)	۰/۲۳۰	۰/۶۹۶	۰/۱۲۷
علاقه نداشتن به ورزش	۰/۴۰۹	۰/۵۳۹	۰/۲۶۹
احساس تنبلی و بی‌حوصلگی	۰/۱۸۷	۰/۱۱۵	۰/۸۴۱
ترس از مصدومیت و جراحت	-۰/۰۱۵	۰/۲۶۳	۰/۷۷۴

بنا بر نتایج حاصل از پژوهش در جدول بالا، پارامترهای تأثیرگذار شناسایی شده به ترتیب زیر می‌باشند: نداشتن مهارت در اجرای ورزش‌ها، پایین بودن اعتماد به نفس به دلیل نداشتن مهارت در اجرای ورزش‌ها، خستگی از کارهای روزمره، احساس تنبلی و بی‌حوصلگی و ترس از مصدومیت

در جدول شماره چهار مقادیر ویژه و واریانس متناظر با عامل‌های دومین متغیر تأثیرگذار؛ یعنی موانع بازدارنده نشان داده شده است. با توجه به توضیحاتی که در مورد متغیر اول ارائه شد، در این مورد نیز با توجه به نتایج به دست آمده، چهار جزء عاملی وجود دارد که ۶۴/۹۱ درصد از واریانس کل داده‌ها را شامل می‌شود. داده‌های فوق پس از چرخش واریانس به ترتیب عبارت هستند از: در دسترس نبودن اماکن و تسهیلات ورزشی ۲۰/۷۷ درصد، کیفیت پایین اماکن و تسهیلات ورزشی - ۱۷/۱۷ درصد، مشغله کاری و خانوادگی زیاد ۱۶/۵۱ درصد و کمی درآمد ۱۶/۳۴ درصد. در ادامه، در جدول شماره پنج ماتریس چرخش مؤلفه‌ها نشان داده شده است که بارهای عاملی هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده پس از چرخش می‌باشد. همان‌طور که گفته شد، هرچه مقدار قدر- مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل واریانس متغیر مورد نظر دارد.

جدول ۴- مقادیر ویژه و واریانس عامل‌های پژوهش

مؤلفه	مقدار ویژه اولیه		دوران جمع مربعات بارگذاری شده		جمع	مؤلفه
	واریانس به درصد	درصد فراوانی	واریانس به درصد	درصد فراوانی		
درآمد کم	۲۸/۶۸۶	۲۸/۶۸۶	۱۷/۱۷۱	۱۷/۱۷۱	۲/۸۶۹	درآمد کم
هزینه رفت و برگشت	۱۲/۵۷۵	۴۲/۲۶۲	۱۶/۵۱۶	۱/۶۵۲	۱/۳۵۶	هزینه رفت و برگشت
هزینه استفاده از اماکن ورزشی	۱۲/۵۱۳	۵۴/۷۷۶	۱۶/۳۴۰	۱/۶۳۴	۱/۲۵۱	هزینه استفاده از اماکن ورزشی
بدی شرایط آب‌وهوا	۱۰/۱۳۴	۶۴/۹۱۰	۱۴/۸۸۴	۱/۴۸۸	۱/۰۱۳	بدی شرایط آب‌وهوا
دردسترس نبودن اماکن ورزشی	۹/۱۱۵	۲۴/۰۲۵			۰/۹۱۲	دردسترس نبودن اماکن ورزشی
کیفیت پایین اماکن ورزشی	۷/۹۹۲	۸۴/۰۱۷			۰/۷۹۹	کیفیت پایین اماکن ورزشی
وجود اماکن ورزشی غیربهداشتی	۶/۱۱۶	۸۸/۱۳۳			۰/۶۱۲	وجود اماکن ورزشی غیربهداشتی
نداشتن برنامه‌ریزی دقیق	۴/۷۰۳	۹۲/۸۳۶			۰/۴۷۰	نداشتن برنامه‌ریزی دقیق
مشغله کاری و خانوادگی زیاد	۴/۲۵۹	۹۷/۰۹۶			۰/۴۲۶	مشغله کاری و خانوادگی زیاد
نگهداری از فرزندان	۲/۹۰۴	۱۰۰/۰۰۰			۰/۲۹۰	نگهداری از فرزندان

جدول ۵- مقادیر ماتریس عاملی دوران یافته

عوامل	مؤلفه‌ها			
	۱	۲	۳	۴
بدی شرایط آب‌وهوا	۰/۹۲۶	۰/۰۲۳	۰/۰۵۲	۰/۰۵۸
دردسترس نبودن اماکن ورزشی	۰/۸۲۹	۰/۰۱۶۳	۰/۰۲۶۵	۰/۰۸۶
هزینه رفت و برگشت	-۰/۰۰۲	۰/۷۵۹	۰/۰۲۶۲	۰/۰۰۸
درآمد کم	۰/۰۴۵	۰/۷۳۰	۰/۱۹۹	۰/۰۵۹
هزینه استفاده از اماکن ورزشی	-۰/۰۰۹	۰/۶۲۶	-۰/۱۷۴	۰/۰۸۲
وجود اماکن ورزشی غیربهداشتی	۰/۱۳۳	۰/۰۱۳	۰/۸۵۱	۰/۱۱۵
کیفیت پایین اماکن ورزشی	۰/۱۵۱	۰/۲۱۹	۰/۸۱۶	۰/۱۴۵
مشغله کاری و خانوادگی زیاد	-۰/۱۵۴	-۰/۰۷۸	۰/۱۳۶	۰/۸۲۰
نگهداری از فرزندان	۰/۱۴۳	۰/۰۶۹	۰/۰۳۸	۰/۰۳۴
نداشتن برنامه‌ریزی دقیق	۰/۲۱۱	۰/۲۴۹	۰/۱۱۲	۰/۴۲۷

براساس نتایج حاصل از جدول فوق، پارامترهای تأثیرگذار شناسایی شده در متغیر دوم به ترتیب زیر می‌باشد:

۱. بدی شرایط آب‌وهوایی
۲. در دسترس نبودن اماکن ورزشی
۳. هزینه زیاد رفت و برگشت تا اماکن ورزشی
۴. درآمد کم افراد نمونه
۵. وجود اماکن ورزشی غیر بهداشتی
۶. کیفیت پایین اماکن ورزشی
۷. مشغله کاری و خانوادگی زیاد
۸. نگهداری از فرزندان

در این قسمت به بررسی میزان ارتباط متغیر سوم؛ یعنی سوق‌دهنده‌های محیطی بر عدم مشارکت فرهنگیان کل کشور در ورزش می‌پردازیم که در جدول شماره شش، مقادیر ویژه و واریانس متناظر با عامل‌های این متغیر نشان داده شده است. در این مورد نیز با توجه به نتایج به دست آمده، چهار جزء عاملی وجود دارد که (۵۴/۲۷) درصد از واریانس کل داده‌ها را شامل می‌شود. داده‌های فوق پس از چرخش واریماکس به ترتیب عبارت هستند از: عدم برنامه‌ریزی مناسب برای انجام فعالیت فرهنگیان ۲۱/۵۶ درصد، عدم اطلاع از فعالیت‌های ورزشی مفید موجود ۱۵/۴۵ درصد، احساس شرمندگی پس از باخت ۹/۳۶ درصد و تعداد کم اماکن ورزشی در نظر گرفته شده برای فرهنگیان ۷/۸۸ درصد.

جدول ۶- مقادیر ویژه و واریانس عامل‌های پژوهش

مؤلفه	مقدار ویژه اولیه			دوران جمع مربعات بارگذاری شده		
	واریانس	درصد فراوانی	جمع	واریانس به	درصد فراوانی	جمع
وجود محدودیت‌های فرهنگی	۲۶/۱۱۸	۲۶/۱۱۸	۳/۶۵۶	۲۱/۶۹۷	۲۱/۵۶۷	۳/۰۱۹
تعداد کم اماکن و تسهیلات ورزشی	۱۲/۱۱۱	۳۶/۲۲۸	۱/۶۹۵	۱۵/۴۵۹	۳۷/۰۲۵	۲/۱۶۴
عدم برنامه‌ریزی مناسب	۸/۳۳۶	۴۶/۵۶۴	۱/۱۶۷	۹/۳۶۳	۴۶/۳۸۳	۱/۳۱۱
عدم اطلاع از فواید جسمانی ورزش‌ها	۷/۷۰۶	۵۴/۲۷۰	۱/۰۷۹	۷/۸۸۲	۵۴/۲۷۰	۱/۱۰۴
عدم اطلاع از فواید روانی ورزش‌ها	۰/۹۷۷	۶/۹۷۵	۰/۹۷۷			
عدم اطلاع از قوانین ورزشی	۰/۹۵۴	۶/۸۱۲	۰/۹۵۴			
عدم اطلاع‌رسانی مناسب رسانه‌ها	۰/۸۹۱	۴/۳۶۵	۰/۸۹۱			
عدم حمایت از سوی خانواده	۰/۶۸۰	۴/۸۵۵	۰/۶۸۰			
بی‌علاقگی دوستان و همکاران	۰/۶۵۳	۴/۶۶۱	۰/۶۵۳			
نداشتن همراه و هم‌بازی	۰/۵۸۵	۴/۱۹۸	۰/۵۸۵			
عدم وجود ورزش‌های دلخواه	۰/۵۱۵	۳/۶۸۱	۰/۵۱۵			
ترس از باخت	۰/۴۵۳	۳/۲۵۳	۰/۴۵۳			
عدم اطلاع از ورزش‌های موجود	۰/۳۷۷	۲/۶۹۳	۰/۳۷۷			
احساس خجالت‌زدگی از حضور در اماکن ورزشی	۰/۳۱۶	۲/۲۵۴	۰/۳۱۶			

در ادامه، در جدول شماره هفت ماتریس چرخش داده شده مؤلفه‌ها نشان داده شده است که بارهای عاملی هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده پس از چرخش می‌باشد. همان‌طور که گفته شد، - هرچه مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل واریانس متغیر مورد نظر دارد.

جدول ۷- مقادیر ماتریس عاملی دوران یافته

عوامل	مؤلفه‌ها			
	۴	۳	۲	۱
عدم اطلاع از فعالیت‌های ورزشی موجود	-۰/۰۱۱	-۰/۰۲۴	-۰/۰۸۷	۰/۸۰۴
ترس از باخت	۰/۱۱۹	۰/۰۶۷	۰/۲۱۲	۰/۷۵۳
احساس خجالت‌زدگی از حضور در اماکن ورزشی	۰/۰۵۵	۰/۰۰۴	-۰/۱۰۹	۰/۷۵۲
عدم اطلاع از قوانین ورزشی	-۰/۰۸۸	۰/۲۷۰	۰/۲۵۴	۰/۵۷۰
تعداد کم اماکن و تسهیلات ورزشی برای فرهنگیان	۰/۱۸۵	۰/۰۵۰	۰/۷۰۹	-۰/۱۸۵
وجود محدودیت‌های فرهنگی در فضاهای ورزشی	۰/۱۲۶	۰/۱۵۰	۰/۸۶۸	۰/۱۹۸
عدم وجود ورزش‌های دلخواه	-۰/۰۷۶	-۰/۰۹۷	۰/۵۹۹	۰/۱۳۶
بی‌علاقگی دوستان و همکاران	-۰/۰۳۷	-۰/۰۷۴	۰/۵۳۹	۰/۵۲۳
عدم حمایت از سوی خانواده	-۰/۱۴۶	۰/۰۳۰	۰/۵۲۱	-۰/۰۰۱
عدم اطلاع از فواید روانی ورزش‌ها	-۰/۱۵۴	۰/۷۱۴	۰/۱۵۹	۰/۲۰۲
عدم اطلاع از فواید جسمانی ورزش‌ها	-۰/۰۰۶	۰/۵۶۶	۰/۲۰۱	۰/۵۲۹
نداشتن همراه و هم‌بازی	-۰/۲۴۵	-۰/۵۶۲	۰/۲۱۶	۰/۲۲۹
عدم برنامه‌ریزی مناسب برای انجام فعالیت فرهنگیان	۰/۸۰۷	-۰/۱۱۷	۰/۱۶۳	-۰/۰۸۰
عدم اطلاع‌رسانی مناسب رسانه‌ها	۰/۵۱۷	۰/۱۷۷	-۰/۱۸۱	۰/۲۹۹

براساس جدول فوق، پارامترهای تأثیرگذار شناسایی شده در متغیر سوق‌دهنده‌های محیطی به ترتیب زیر می‌باشد:

۱. عدم برنامه‌ریزی مناسب برای انجام فعالیت فرهنگیان
۲. عدم اطلاع از فعالیت‌های ورزشی موجود
۳. ترس از باخت
۴. احساس خجالت‌زدگی از حضور در اماکن ورزشی
۵. عدم اطلاع از فواید روانی ورزش‌ها
۶. تعداد کم اماکن و تسهیلات ورزشی برای فرهنگیان

درنهایت، در این قسمت به بررسی میزان ارتباط متغیر تأثیرگذار بعدی که شامل ویژگی‌های فعالیت‌های ورزشی می‌باشد می‌پردازیم. در جدول شماره هشت مقادیر ویژه و واریانس متناظر با عامل‌های این متغیر نشان داده شده است. براین‌مبناء، دو جزء عاملی وجود دارد که ۵۹/۵۱ درصد از واریانس کل داده‌ها را شامل می‌شود. داده‌های فوق پس از چرخش واریماکس به ترتیب عبارت

هستند از بیزاری از برد و باخت در فعالیت‌های ورزشی ۴۰/۳۱ درصد و مدت و شدت زیاد فعالیت‌های ورزشی ۱۹/۱۹ درصد.

جدول ۸- مقادیر ویژه و واریانس عامل‌های پژوهش

مؤلفه	مقدار ویژه اولیه		دوران جمع مربعات بارگذاری شده	
	جمع	واریانس به درصد فراوانی	جمع	واریانس به درصد فراوانی
جذابیت کم ورزش‌ها	۲/۴۷۷	۴۰/۷۸۹	۲/۴۱۹	۴۰/۳۱۳
شدت زیاد فعالیت‌های ورزشی	۱/۱۲۳	۱۸/۷۲۲	۱/۱۵۲	۱۹/۱۹۸
مدت زیاد فعالیت‌های ورزشی	۰/۸۰۶	۱۳/۴۳۳		
بیزاری از برد و باخت در ورزش	۰/۷۰۵	۱۱/۷۵۴		
دردسترس نبودن ورزش‌های دلخواه	۰/۵۳۲	۸/۸۳۹		
عدم علاقه به ورزش‌های هیجانی	۰/۳۸۸	۶/۴۶۴		

در ادامه، در جدول شماره نه ماتریس چرخش داده شده مؤلفه‌ها نشان داده شده است که بارهای عاملی هر یک از متغیرها در عامل‌های باقی مانده پس از چرخش می‌باشد. شایان ذکر است که هرچه مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل واریانس متغیر مورد نظر دارد.

جدول ۹- مقادیر ماتریس عاملی دوران یافته

مؤلفه‌ها	عوامل
بیزاری از برد و باخت در ورزش	۰/۸۳۰ ۰/۱۶۴
شدت زیاد فعالیت‌های ورزشی	۰/۷۶۸ -۰/۰۴۴
مدت زیاد فعالیت‌های ورزشی	۰/۷۵۷ ۰/۱۰۶
جذابیت کم ورزش‌ها	۰/۶۵۵ -۰/۰۶۲
علاقه به ورزش‌های هیجانی	۰/۲۰۴ -۰/۱۸۶
دردسترس نبودن ورزش‌های دلخواه	۰/۳۱۲ ۰/۶۸۶

با توجه به نتایج حاصل از جدول فوق، در متغیر ویژگی فعالیت‌های ورزشی، پارامترهای تأثیرگذار شناسایی شده به ترتیب زیر می‌باشد:

۱. بیزاری از برد و باخت در ورزش

۲. شدت زیاد فعالیت‌های ورزشی

۳. مدت زیاد فعالیت‌های ورزشی

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی آماری و استنباط از داده‌های جمع‌آوری شده، نشان‌دهنده ارتباط بین برخی از عواملی که در نظر گرفته بودیم با مشارکت کم فرهنگیان بود. سؤال اصلی مطرح در این پژوهش که براساس مطالعات پژوهشگران جوامع مختلف درمورد اقشار مختلف شکل گرفته بود، عبارت بود از این‌که آیا محدودیت‌ها و موانعی که برای اقشار مختلف در جوامع مختلف وجود دارد، برای جامعه موردنظر نیز مانع از مشارکت افراد می‌شود؟ و یا عوامل دیگری در عدم مشارکت آن‌ها دخالت دارند؟ کلیه افراد جامعه آماری در پژوهش حاضر، فرهنگیان مرد بودند که براساس یافته‌ها، اکثریت آن‌ها (۵/۵۱ درصد) دارای مدرک کارشناسی بودند و بیشتر در گروه آموزشی مشغول به خدمت بودند. همچنین، ۴۲/۷ درصد از این افراد دارای سابقه پنج تا ۱۵ سال در آموزش و پرورش بودند و در ارتباط با شرایط سنی، رده سنی ۳۱ تا ۳۵ سال دارای بیشترین فراوانی بود. با یک نگاه کلی به این آمار می‌توان گفت بیشتر افراد نمونه آماری به لحاظ سنی در رده‌ای قرار دارند که به‌علت شروع میان‌سالی می‌توانند با داشتن سلامت جسمانی در فعالیت‌های جسمانی مشارکت داشته باشند. در هر رده سنی، عوامل در نظر گرفته شده تأثیر گوناگونی بر بی‌رغبتی دارند. احتمالاً، وجود ضعف جسمانی از عوامل بی‌رغبتی در سنین بالاتر است و کمبود وقت، از علل بی‌رغبتی در سنین پایین‌تر می‌باشد. این موضوع به سیاست‌گذاری مسئولان جهت گسترش فرهنگ سلامتی در مقاطع مختلف آموزشی در مدارس و نیز برای افراد با سابقه کاری و مدارک تحصیلی مختلف کمک می‌کند.

ارتباط بین عوامل متغیر ویژگی‌های شخصی فرهنگیان و مشارکت کم در ورزش که در این پژوهش منتج شده است، با یافته‌های وفایی مقدم (۱۳۹۱)، هندرسون و آنسورث (۲۰۰۱) و ریچاردسن و همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. یافته‌های آن‌ها نشان از اولویت‌بندی این عوامل براساس دسته‌بندی‌های به‌دست‌آمده از آزمون فریدمن داشت. ریچاردسن و همکاران نیز در یافته‌های خود به موانع ذهنی یا رفتاری برای افراد اشاره کردند. از پارامترهای مدنظر برای نه عامل در نظر گرفته شده برای این متغیر، پارامترهای نداشتن مهارت در اجرای ورزشی و به‌تبع آن پایین بودن اعتمادبه‌نفس، یکی از عوامل تأثیرگذار بر پایین بودن سطح مشارکت افراد شناخته شده است. همچنین، پس از این عوامل، عوامل خستگی از کارهای روزمره و تنبلی و بی‌حوصلگی قرار دارد و رتبه بعد از آن‌ها نیز به ترس از مصدومیت تعلق گرفته است. در نگاه اول شاید ضعف در ویژگی‌های روان‌شناختی که خود از ویژگی‌های فردی افراد می‌باشد به چشم بخورد. این احتمال وجود دارد که

این ویژگی‌ها پیامد ویژگی‌های دیگری باشند که باید در ابتدا به برطرف نمودن آن‌ها اقدام کرد. افراد مختلف با دسترسی به امکانات گوناگون آموزش رشته‌های مختلف ورزشی، در سطوح بالا و پایین مهارت اجرای ورزشی قرار دارند؛ بر همین اساس، شاید ترس از مورد تمسخر قرار گرفتن توسط همبازیان، یکی از عوامل به وجود آورنده ترس تلقی شود و اگر به آن پرداخته نشود، سبب سرخوردگی فرد پس از اجرای ورزشی و (کم‌کم) فاصله گرفتن از فضای ورزشی می‌شود. همچنین، فرهنگیان به دلیل داشتن درآمد و دریافتی کم، داشتن دو یا سه شغل را دلیلی برای خستگی از کارهای روزمره دانسته‌اند. در این زمینه باید گفت هنگامی که فرد با خستگی جسمانی و دغدغه‌های شغلی مواجه شود، به نوعی دغدغه‌های روانی و بی‌حوصلگی و تنبلی به سراغ وی می‌آید؛ به گونه‌ای که فعالیت‌های ورزشی هیچ جذابیتی برای وی نخواهند داشت. اگرچه، علم ثابت کرده است که اجرای فعالیت‌های ورزشی نه تنها خستگی را زیاد نمی‌کند، بلکه پس از گذشت زمان اندکی از شروع فعالیت ورزشی، فرد را دارای جسم و روان آماده‌تری می‌کند. این امر با یافته‌های بایلی و همکاران (۲۰۱۰) ناهمسو می‌باشد. همچنین، ترس از مصدوم شدن و قرار گرفتن در شرایط آسیب‌پذیری در کارهای روزمره، از دلایل عدم مشارکت افراد شناخته شده است. برای افرادی که در حین اجرای ورزشی و یا در گذشته آسیب ورزشی دیده‌اند، حالت روان‌شناختی منفی به وجود می‌آید و این افراد از روی آوردن به ورزش خودداری می‌کنند؛ زیرا، برخی از مشکلات جسمی افراد مانند معلولیت‌های جسمی و یا آسیب‌های ورزشی ناشی از فعالیت‌های ورزشی گذشته می‌باشند که به تدریج سبب بی‌علاقگی به ورزش می‌شوند. نوع دیگر اثرگذاری این محدودیت‌ها، ترس از مصدومیت است که به لحاظ روانی مانع از مشارکت افراد می‌شود. این نتیجه با یافته‌های جنکینز (۲۰۱۰) و شیکوکو و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

علاوه بر این، افراد پس از این که محدودیت‌های فردی را پشت سر گذاشتند و از درون توانستند فعالیت‌های ورزشی را برای اوقات فراغت خود انتخاب کنند، با موانعی (موانع مالی، محیطی و ساختاری) که به خود فرد و محیط بستگی دارند مواجه می‌شوند. کاهش این موانع برای فرهنگیان بسیار حائز اهمیت است. کشور ایران دارای آب‌وهوای چهار فصل می‌باشد، اما به نظر افراد نمونه آماری، بدی شرایط آب‌وهوایی یکی از موانع مشارکت در ورزش می‌باشد. شاید، بارش باران در روزهای گرم تابستان در منطقه شمال کشور و یا گرمای طاقت‌فرسا در حدود شش ماه از سال در جنوب کشور و نیز بارش برف در اکثر ماه‌های شش ماه دوم سال در مناطق غربی و شرقی کشور از عوامل به وجود آورنده این تفکر باشد. این نتیجه با یافته‌های شاو و داوسون (۲۰۰۱) ناهمسو می‌باشد، اما با نتایج پژوهش احسانی (۲۰۰۱)، شیکوکو و همکاران (۲۰۱۴) و فتاحیان و همکاران (۱۳۹۱) همسویی دارد. مشکلات و مسائل مالی از قبیل کمی درآمد و زیادبودن هزینه‌های مشارکت

در فعالیت‌ها از قبیل هزینه رفت و برگشت تا اماکن ورزشی و استفاده از تسهیلات ورزشی و نیز موانع محیطی مانند کیفیت پایین اماکن ورزشی از مسائلی است که در بسیاری از مطالعاتی که در مورد اقبال مختلف جامعه ما صورت گرفته است به چشم می‌خورد.فتاحیان و همکاران در پژوهش خود در ارتباط با دبیران شهر همدان، با اولویت بالایی به عامل اشاره داشته‌اند. علاوه بر این، افزایش مشغله زندگی کاری و خانوادگی و نیز شاغل بودن زن و مرد در فضای بیرون از منزل را می‌توان از عواقب کمی درآمد و نیز بالابودن هزینه زندگی دانست که به تبع آن بسیاری از مردان می‌بایست در اوقات فراغت به نگهداری از فرزندان بپردازند. متأسفانه، در گذشته، بیشتر افزایش کمی تسهیلات ورزشی مطرح بوده است. هرچند که در برنامه اول و دوم توسعه در ارتباط با هدف‌های کیفی، موارد ارزشمندی در راستای ارتقا و توسعه کیفی ورزش کشور به چشم خورد، اما متأسفانه، خطمشی‌ها و سیاست‌ها صرفاً کمی بوده و معطوف به افزایش تسهیلات ورزشی می‌باشد. ضعف در ساختار تشکیلاتی سالیان اخیر ورزش کشور و به دنبال آن عدم تمرکز در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اجرای برنامه‌ها نیز می‌تواند از عوامل به وجود آورنده این وضعیت باشد. این مورد با یافته‌های نجف آقایی و همکاران (۱۳۹۱)، جنکینز (۲۰۱۰) و کشر و احسانی (۱۳۸۶) همسو می‌باشد. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر، شاخص هزینه‌های تربیت بدنی آموزش و پرورش از ۱/۱۷ درصد به ۰/۸۳ درصد کاهش یافته است و بیشتر در ورزش قهرمانی سازمان هزینه شده است. به دلیل شرایط اقتصادی جامعه، در تمامی این پژوهش‌ها اشاره شده بود که ثبات مدیریت در سازمان ورزش وجود ندارد و این امر سبب هزینه‌های سنگین ورزشی شده است. با توجه به این نتایج می‌توان گفت که با از بین بردن و یا حداقل کردن موانعی که فرهنگیان با آن مواجه هستند، می‌توان علاقه آن‌ها را به مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد. چه بسا، فرد پس از کنارزدن محدودیت‌هایی که بیشتر به خود وی و عوامل درونی او بستگی دارد، به اجرای فعالیت‌های ورزشی تمایل پیدا کند، اما وجود این موانع که بیشتر دخالت محدودیت‌های خارجی در گرایش فرد می‌باشند، از گرایش افراد به ورزش در ساعات فراغت کم می‌کند و یا از استمرار اجرای این فعالیت‌ها در زمان طولانی ممانعت به عمل می‌آورد.

علاوه بر این، تفاوت فرهنگی افراد جامعه آماری به ویژه در متغیر سوم (متغیر سوق‌دهنده‌های ورزشی) مورد بحث می‌باشد. سوق‌دهنده‌ها، تسهیل‌کننده‌های مسیر مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی می‌باشند؛ بدین معنا که فرد به صورت روان‌شناختی، احساس نیاز به فعالیت‌های ورزشی پیدا می‌کند و پس از تصمیم به مشارکت، با کمی سوق‌دهنده‌ها مواجه می‌شود. از عوامل اساسی سوق‌دهنده فرهنگیان می‌توان به برنامه‌ریزی مسئولان این سازمان و یا ادارات زیرمجموعه برای مشارکت بیشتر آن‌ها و نیز در دسترس قرار دادن امکانات و تسهیلات مربوطه اشاره کرد که آزمودنی‌های این پژوهش،

ضعف در این خدمات را از عوامل مرتبط با عدم مشارکت خود می‌دانستند. ممکن است شرایط مالی که در پی شرایط اقتصادی نابه‌سامان و تحریم‌های ناجوانمردانه در سال‌های اخیر برای این سازمان به‌وجود آمده‌است، مانع از برگزاری و برنامه‌ریزی مسابقات برای این قشر بوده باشد. به‌نظر می‌رسد مشکل برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، بیش از طرح یک برنامه مقطعی پنج ساله و رسیدگی به شاخص‌های ضعیف آن باشد. خط‌مشی‌های اساسی ورزش در سال‌های اولیه انقلاب بر توسعه ورزش همگانی متمرکز بوده‌است، اما در سال‌های اخیر، بر توسعه ورزش قهرمانی نیز تمرکز کرده‌است و ورزش فرهنگیان نیز از این جابه‌جایی مصون نمانده‌است. علاوه‌براین، همان‌طور که میرغفوریان و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند، ضعف و عدم آگاهی از فواید ورزش که در فرهنگیان وجود دارد، مانع دیگری برای عدم مشارکت در ورزش می‌باشد. نداشتن آگاهی‌های عمومی از ورزش می‌تواند به‌دلایل متعددی ایجاد شود. ضعف خود افراد در جمع‌آوری اطلاعات، عدم برنامه‌ریزی مناسب مسئولان و ضعف رسانه‌ها می‌تواند از این دلایل باشد. علاوه‌براین، وسعت محدوده ورزش آموزش و پرورش و عدم جذب نیروی متخصص و متعهد تربیت‌بدنی برای پست‌های اختصاصی می‌تواند از دلایل به‌وجودآورنده این نتایج باشد. این نتایج با یافته‌های سلامی و همکاران (۱۳۸۱) همخوان می‌باشد. آخرین عاملی که در این متغیر با بی‌رغبتی فرهنگیان مرتبط شناخته شده‌است، ضعف افراد نسبت به باختن و یا خجالت‌زدگی و شرمندگی که پس از این فرایند به‌وجود می‌آید می‌باشد. شاید این عامل نیز از پیامدهای نداشتن مهارت ورزشی و یا قرارگرفتن افراد ورزشکار در رده‌های سنی ناهمخوان با توانایی آن‌ها باشد؛ برای مثال، بالابودن انتظار از فرد میان‌سالی که در گروه جوانان قرار می‌گیرد، به‌دلیل باخت‌های زیاد و یا نداشتن مهارت، به‌تدریج سبب بی‌میلی او به انجام آن فعالیت می‌گردد. علاوه‌براین، غالباً زمینه‌های ارزشی - فرهنگی حوزه ورزش، تا حدود کمی در جامعه مطرح بوده‌است. البته، اخیراً شرایط بهتری در این ارتباط حاکم شده‌است، اما نمی‌توان اثرات آن را در محافل ورزشی نادیده گرفت. این نتایج را می‌توان ضعف در اجرای مسئولیت‌های چند سازمان کلان جامعه دانست تا حمایت از ورزشکاران در تمامی فضاهای ورزشی منتج شود.

در بحث درمورد ویژگی‌های ورزش و فعالیت‌های ورزشی باید به پژوهش کشر و احسانی (۱۳۸۶) نظری داشته باشیم. برقراری توازن بین محدودیت‌ها و جذابیت‌ها (انگیزاننده‌ها) سبب اجرای آن فعالیت و انتخاب آن از بین فعالیت‌های دیگر می‌گردد؛ بنابراین، فرد ابتدا باید محدودیت‌ها را پشت سرگذارد و براساس انگیزه‌ها یا جذابیت‌هایی که فعالیت‌های ورزشی دارد، به آن فعالیت علاقه‌مند می‌گردد. در بین شش عامل در نظر گرفته‌شده برای این متغیر، سه عامل به‌عنوان عوامل مرتبط با عدم مشارکت افراد شناخته شده‌است. افراد نمونه آماری به‌دنبال فعالیت‌هایی هستند که در آن‌ها برد و باخت زیاد اهمیت نداشته باشد؛ بنابراین، جذابیت این نوع فعالیت‌های ورزشی برای آن‌ها

بسیار بیشتر است. شاید بی دلیل نباشد که بسیاری از فرهنگیان، پیاده روی را یکی از ورزش‌های دلخواه خود می‌دانند. همچنین، گرایش به فعالیت‌های با شدت و مدت زیاد، در بین افراد نمونه آماری اندک می‌باشد؛ زیرا، براساس ویژگی‌های جسمانی و روانی که دارند ورزش در شرایط سخت را کمتر اجرا می‌کنند. البته، شاید دارای آسیب‌دیدگی گذشته باشند که نمی‌توانند به راحتی ورزش شدید را انجام دهند. این نتایج با یافته‌های احسانی و همکاران (۱۳۸۲) ناهمخوان می‌باشد. شاید این ناهمخوان بودن به دلیل تعاریف گوناگون ویژگی فعالیت‌های ورزشی باشد. فرهنگیان با درک ویژگی‌های یک فعالیت (همانند فواید ورزش) نسبت به فعالیت‌های دیگر، به اولویت‌بندی این فعالیت‌ها در زمان اوقات فراغت می‌پردازند؛ بنابراین، کمبود جاذبه فعالیت‌های ورزشی، یکی از دلایل بی‌ رغبتی آن‌ها می‌باشد. با این وجود، شاید تمرکز بیشتر بر عوامل دیگر و نیز پوشش رسانه‌ای قوی برای گسترش اطلاع‌رسانی از ویژگی‌های فعالیت‌های ورزشی به صورت مستمر، سبب حفظ و پایبندی افراد به این فعالیت‌ها گردد. افراد با توجه به مدت و شدت فعالیت و نیز سهولت دستیابی به انواع ورزش‌ها، آن‌ها را انتخاب و حفظ می‌کنند.

پس از بررسی تک‌تک متغیرها شاید بتوان گفت عواملی که به عنوان عوامل مرتبط با عدم مشارکت فرهنگیان در این پژوهش ذکر شده است، از نمونه‌ای از فرهنگ‌های بومی مختلف کشور نشأت می‌گیرد که این مورد در متغیر سوق‌دهنده‌ها و نیز موانع بازدارنده بیشتر به چشم می‌خورد. در متغیرهای محیطی، محدودیت‌های به وجود آمده توسط سازمان و برنامه‌ریزی گروه‌های تربیت‌بدنی ادارات، شرایط زندگی اجتماعی و بالابودن هزینه‌های مشارکت در فعالیت‌های اوقات فراغت می‌تواند از دلایل در اولویت قرار گرفتن این موارد باشد. به نظر می‌رسد که فرهنگیان موانع و سپس، عوامل فرهنگی و اجتماعی را در بی‌علاقگی خود تأثیرگذار می‌دانند. ذکر این نکته ضرورت دارد که مسائل مالی در بحث در مورد متغیر دوم کاملاً بررسی گردید، اما نکته حائز اهمیت، گذشته تأثیرگذار در بعد مدیریت کلان جامعه و به ویژه سازمان آموزش و پرورش می‌باشد؛ زیرا، بسیاری از اقدامات و برنامه‌ریزی‌های کمک‌کننده به ورزش آموزش و پرورش، پشت مسائل بهینه ابعاد دیگر اجتماعی در این سازمان قرار گرفته است و همچنان در برخی از مناطق، به هیچ وجه به ورزش آموزش و پرورش توجه نمی‌شود. علاوه بر این، سیاست‌های مالی سال‌های گذشته، اثر زیادی بر ورزش کشور و ورزش فرهنگیان داشته است. ضعف فرهنگ ورزش در بین افراد جامعه و نیز دغدغه‌های نبود حمایت‌های سازمانی از سوی ادارات و نواحی آموزش و پرورش از محدودیت‌هایی است که می‌تواند فارغ از عوامل درونی افراد باشد. همچنین، برخی از عوامل درون شخصی مانند ضعف اعتماد به نفس و نداشتن مهارت در فعالیت، با آگاهی‌های عمومی و یا سوق‌دهنده‌های دیگر در ارتباط می‌باشند؛ برای مثال، بالابردن آگاهی‌های عمومی در ورزش می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس کمک کند. کمبود مالی

سازمان‌ها در فراهم کردن بودجه ورزش نیز سبب کاهش فعالیت رسانه‌ای می‌شود. به وجود آمدن انقلاب در شرایط حال حاضر ورزش فرهنگیان، نیازمند تغییر در نگرش آن‌ها می‌باشد که آن هم مشروط به تغییر در دانش و اطلاعات افراد است. تصمیم به اجرای فعالیت‌های ورزشی که به نوعی پس از فرایند درونی شدن فعالیت ورزشی در افراد صورت می‌پذیرد، به ایجاد رفتار ورزشی پس از یک فرایند برنامه‌ریزی شده کمک می‌کند. همچنین، ایجاد رفتار ورزشی در افراد، نیاز به تشکیل شدن نیت رفتاری که آن هم پس از شکل‌گیری نگرش، هنجارهای ذهنی و کنترل بر رفتار شکل می‌گیرد منتج می‌گردد. با استفاده از تغییر دادن درست رفتارهایی که از زندگی با سبک غیرفعال ناشی می‌شوند، می‌توان تعهد به رفتار ورزشی را در افراد بیشتر کرد. با تغییر در فرهنگ جامعه از طریق رسانه‌ها و برنامه‌ریزی مسئولان و نیز بالابردن آگاهی عمومی در مورد فواید و مزایای فعالیت‌های ورزشی می‌توان رغبت و علاقه افراد را به فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد. علاوه بر این، گسترش فعالیت‌های ورزشی از طریق طیف‌های محلی و ایجاد گروه‌های ورزشی در محیط همسایگی در شهرهای مختلف با شرایط جوی و آب‌وهوایی متفاوت و نیز در محیط مدارس و ادارات آموزش و پرورش می‌تواند به تعاملات مثبت اجتماعی با زمینه‌های ورزشی منجر شود. این عوامل به حمایت اجتماعی در گروه‌ها در محیط خانواده، همسایگی و حتی محیط کار منتهی می‌گردد. با برنامه‌ریزی و برگزاری همایش‌های علمی - ورزشی ملی برای جامعه فرهنگیان و نیز فراهم کردن بروشورها و پوستره‌های انگیزاننده، فرهنگیان به فعالیت‌های ورزشی سوق داده می‌شوند. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های گسترش ورزش، ایجاد اماکن ورزشی و توریستی در کشور برای این جامعه (به‌طور خاص) است (حمیدی به نقل از نادریان و هاشمی، ۲۰۰۹، ۴۱). ایجاد ارتباطات مناسب نیز می‌تواند افراد بیشتری را در این فعالیت‌ها درگیر کند. با مرتفع‌ساختن این محدودیت‌ها از طریق فراهم کردن امکانات و تسهیلات مناسب، سهولت در دسترسی به این اماکن و تسهیلات و عواملی که بیشتر به محیط فرد بستگی دارد تا عوامل درونی او، می‌توان مشارکت افراد را در فعالیت‌های ورزشی بیشتر کرد.

با توجه به این‌که پژوهش‌های زیادی در زمینه عدم مشارکت افراد به فعالیت‌های ورزشی انجام شده است، اما تاکنون شاهد افزایش تعداد مشارکت‌کننده‌ها (آن‌گونه که انتظار داریم) نبوده‌ایم. با انجام مطالعات در این راستا، می‌بایست علاوه بر نتایجی که به دست می‌آید، انگیزه‌های شرکت‌کننده‌ها و یا دلایل افراد برای سر باز زدن از اجرا نیز مشخص گردد و سپس، برای افزایش و یا رفع آن‌ها اقدام شود. در آغاز قرن جدید، تأکید بر اهمیت فعالیت بدنی در بالابردن کیفیت زندگی اجتماعی به‌طور مداوم افزوده می‌شود و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در مورد مسائل تندرستی و بهداشتی، جایگاه واقعی خود را در این رشته پیدا کرده‌اند. علاوه بر این، سیاستمداران با برقراری همکاری نزدیک‌تر بین نظریه

و عمل در پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در ورزش و دیگر عوامل اجتماعی، گام مثبتی را در جهت ایجاد تمهیدات جدید در مدیریت ورزش برمی‌دارند. علاوه بر این، راه‌حل دیگر، همکاری نزدیک بین طرح‌ها و برنامه‌هایی است که بیشتر جنبه بین‌المللی دارند، تا از این طریق، انسان‌ها در سراسر جهان در ورزش و فعالیت بدنی، بهتر و بیشتر درک شوند. نباید فراموش شود که در هر حال، فشارهای روانی بیش از هر عامل دیگری باعث تحلیل انرژی جسمی ورزشکاران و افراد مختلف و نیز کاهش لذت بردن آن‌ها از ورزش، پیروزی و موفقیت در دیگر پدیده‌های اجتماعی می‌شود. به خوبی اثبات شده است که ضعف روانی ورزشکاران، عملکرد آن‌ها را در مسابقات کاملاً تحت تأثیر قرار داده است.

وجود نظام‌نامه وزارت ورزش و جوانان و هماهنگی وزارتخانه‌های دیگر در مورد گسترش ورزش همگانی در جامعه، منجر به برقراری ساختاری اساسی در کشور برای کلیه اقشار شده است که تمایل به ورزش را در افراد برجسته می‌سازد. یافته‌های این پژوهش به افراد و مسئولان برنامه‌ریز و سیاست‌گذار این قشر کمک می‌کند تا فرایندهای اجرایی را بهتر از گذشته در پی گیرند. روشن شدن این دلایل در این قشر مشخص می‌کند که افراد با نقاط ضعف خود آشنا می‌باشند و یا به عواملی که از بیرون بر آن‌ها فشار وارد می‌کند تا در فضای ورزش حضور نداشته باشند، مطلع هستند. پیشنهاد می‌شود پژوهشی میان‌رشته‌ای (بین رشته روان‌شناسی ورزشی و مدیریت ورزشی) اجرا شود تا عوامل به‌طور دقیق مشخص گردند. همچنین، پیشنهاد می‌شود پژوهشی در مورد دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی در سراسر کشور انجام شود. علاوه بر این، لازم است که انگیزه اجرای فعالیت‌های ورزشی توسط فرهنگیان سراسر کشور که دارای فعالیت‌های مستمر ورزشی هستند بررسی شود.

با دغدغه‌هایی که در زندگی ماشینی افراد وجود دارد نیاز به سبک زندگی فعال برای داشتن سلامت جسمانی و روانی بسیار لازم و ضروری می‌باشد و با توجه به اینکه قشر فرهنگیان به عنوان قشر تاثیرگذار در جامعه می‌باشند، ولی شناسایی موانعی که سبب بی‌حرکی آن‌ها می‌باشد به صورت گسترده در کشور در تحقیقات گذشته انجام نگردیده است.

بسیاری از محدودیت‌ها و موانعی که در این تحقیق شناسایی گردید، سبب روشن شدن وضعیتی است که اکثر فرهنگیان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند و وجود زمینه مالی یکی از مشخصه‌های اصلی شرایط آن‌ها می‌باشد. بنابراین رفع موانع با محوریت رفع موانع مالی باید در اولویت برنامه ریزی سیاست‌گذاران برای این قشر در نظر گرفته شود.

منابع

1. Bailey, R., Collins, D., Ford, P., MacNamara, Á., Toms, M., & Pearce, G. (2010). Participant development in sport: An academic review. Julian North Head of Research Sports Coach. 6 series. canadian sport. 12.
2. Cheng, Sh., Tung, P., & Koozechian, H. (2012). A comparative study on recreational sports participation among the university students. National Science Council.36 (7), 43-101.
3. Committee on Physical Activity, Health, Transportation, and Land Use. (2005). Does the built environment influence physical activity? Examining the evidence. Transportation Research Board; Washington, D.C planning committee .21(2). 63
4. Ehsani, M., & Azb Daftaran, M. (2003). Serving the barriers disparticipation girl student in khorasgan Azad University. Olympic Journal, 11(3-4), 34-51. (Persian).
5. Ehsani, M. (2002). New management in sport. Tarbiat Modares University; sport plan in university, Science Effect Office. 22. (Persian).
6. Fatahian, N., & Aghaee, N. (2012). Of comparing barriers of female teachers sportwomen and non sportwomen by kraford model. Journal of Reaserch in Sport Management and Movement Behaviors, 2 (10), 4(20continiuise) , 161-74. (Persian).
7. Hoseini, R. (1993). Serveing leisure time in behshahr educational office women teacher in 77-76. Behshahr Payame Noor University. Master thesis, 110. (Persian).
8. Jenkins, S. (2010). Identify the barriers to cultural participation and the needs of resident of birmangham. Ecotec Research and Consulting ltd Vincent House. In Engand, 6 (3), 31.
9. Jaarsma, E. A., Dijkstra, P. U., & Geertzen, J. H. B. (2014). Barriers to and facilitators of sports participation for people with physical disabilities: A systematic review. R. Dekker Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports, 24(6), 64-89.
10. Keshkar, S., & Ehsani, M. (2007). Serveing of cause's barriers of participation women in recreation spor notice individual charestristic. Women Study, 5(2), 113-34. (Persian).
11. Mirghafouri, H., Toranlo, H., & Mirfakhredini, H. (2009). Serving and analyzing problem effective in women participant in sport activities. Sport Management, 16(1), 83-100. (Persian).
12. Musavi, V. M., & Mosaiebi, F. (2008). Sport phycology (2en ed). Tehran: Samt Broadcast. 93. (Persian).
13. Naderian, J. M., & Hashemi, H. (2009). Participant in recreational sports. Research in Sport Sciences, 22 (3), 39-53. (Persian).
14. Norges, I. F. (2011). Joy of sport ° for all; Sport policy document 2011° 2015. Norveg sport committee, policy document, 3series, 48-61.
15. Palm, J., & Wolfyang, B. (2002). Sport for all as s departure into unknown lands of sport. Germany: Heusenstamm.11 (5), 25.
16. Richardson, C. R., Faulkner, J. (2014). Integrating physical activity into mental health services for persons with serious mental illness. Exercise and Sport Sciences Reviews, 28(4), 165° 70.
17. Shields, N., Synnot, A. J., & Barr, M. (2012). Perceived barriers and facilitators to physical activity for children with disability: A systematic review. British Journal of Sports Medicine. Br J Sports Med, 46 (14), 18.

18. Shikako, K. T., Annette, M. R., Law, M., & Lach, L. (2014). Determinants of participation in leisure activities in children and youth with cerebral palsy: Systematic review. *Physical & Occupational Therapy in Pediatrics*, 28(2), 32.
19. Shaw, S. M., & Dawson, D. J. (2001). Purposive leisure: Examining parental discourses on family activities. *Research in leisure management*, 22(1), 279.
20. Tara Sue, P. (2001). Constraints: An integrated viewpoint. *Illuminare*, 7 (1), 35.
21. Vafaei Moghaddam, A. (2012). Serving causes disinterest Mazandaran educational staff in physical education. University of Mazandaran. Master thesis, 18. (Persian).
22. Verschuren, O., Wiart, L., Hermans, D., & Ketelaar, M. (2012). Identification of facilitators and barriers to physical activity in children and adolescents with cerebral palsy. *The Journal of Pediatrics*, 161 (3), 488-94.

استناد به مقاله

وفایی مقدم، علی، فرزانه، فرزام، افشاری، مصطفی، و جعفری، مهرا. (۱۳۹۵).
تحلیل عاملی دلایل مشارکت کم فرهنگیان سراسر کشور در فعالیت های ورزشی.
مطالعات مدیریت ورزشی، ۸(۳۸)، ۳۰-۲۰۵.

Vafaei Moghaddam, A., Farzan, F., Afshari, M., & Jaafari, M. (2016).
Factor Analysis the Reasons for Low Participation of Men Teachers to
Sport Activities in All Over the Country. *Sport Management Studies*. 8
(38):205-30. (Persian)

Factor Analysis the Reasons for Low Participation of Men Teachers to Sport Activities in All Over the Country

A. Vafaei Moghaddam¹, F. Farzan², M. Afshari³, M. Jaafari⁴

1. Ph.D. Student and Teacher, University of Mazandaran-Babolsar*
2. Assistant Professor, University of Mazandaran-Babolsar
3. Assistant Professor, Sports Science Research Institute
4. Ph.D. Student, Azad University of Mashhad

Received Date: 2015/10/12

Accepted Date: 2016/07/02

Abstract

For causes few people participate in sport in our country, the purpose of this research is to investigate reasons for non-participation of male teachers in sport. This Research is descriptive research and its type is analytical that operated as a field study. Population composed of all Iranian teachers that 385 people were selected for the sample. For analyzing the reasons of non-participation. Findings show that in first variable was individual characteristics: 4 factor components (don t have sport skill, Fatigue and impatience, Fear of injury) in variable of inhibitory obstacles 4 factor components (Unavailability sport Places, Low quality in sport Places, Busy work and family, Low income) in environmental push factor: 4 factor components (Proper planning for sport teacher, don t have useful knowledge about sport activities, Feel ashamed after losing, The low number of sport facilities) and in sport Property variable 2 factor components (Aversion of Winning and losing, Duration and intensity sport activities are effective. officials and policy makers should consider these factors and through the appropriate management help education ministry to fulfill its goals.

Keywords: Factor Analysis, Non- Participation in Sport, Teachers

* Corresponding Author

Email: dornaumz6268@gmail.com